

قابل اعمال است؛ به عبارت بهتر مجموعه آرمان‌ها و ارزش‌های ملت، هویت ملی را شکل می‌دهد و این هویت، در نهایت منافع ملت را ترسیم می‌کند. در عمل در عرصه سیاست خارجی، اجرای منافع ملی بر اساس این رویکرد به معنای عملیاتی شدن خواست و رویکرد مردم در این حوزه است.

«مردم‌پایگی» سیاست خارجی و توجه به نظرات جمهور به معنای توجه به خواست‌های مردمی است. مردم در انتخابات ریاست جمهوری از طریق انتخاب خود، خواهان تحول در سیاست خارجی کشور و تغییر نگرش از غرب‌گرایی محض به توازن و تعادل در سیاست خارجی شدند. متوازن‌سازی سیاست خارجی مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی» از مهم‌ترین ایده‌های سیاست خارجی دولت است که از مهم‌ترین ملزومات آن، حفظ استقلال کشور در عین توجه و تأکید بر روابط با قدرت‌های شرق و غرب است. نفی غرب‌گرایی محض در روابط خارجی از ایده‌های کانونی دولت است. این رویکرد اصیل، مطالبه مردم از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون است.

از سوی دیگر و در راستای توجه به خواست و منافع مردم توجه به اولویت اصلی زندگی آن‌ها، یعنی مسائل اقتصادی و معیشتی نیز در سیاست خارجی بازتاب ویژه می‌یابد. بر این اساس تأکید بر «دیپلماسی اقتصادی» از برنامه‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت دکتر رئیسی است که استفاده از این ظرفیت با هدف بهبود معیشت مردم و مقابله و خنثی‌سازی تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران در حال پیگیری است. این تمرکز سیاستی با هدف توجه به نیازهای معیشتی مردم در عرصه سیاست خارجی اتخاذ شده و مستلزم هم‌سویی و هماهنگی نهادهای متولی این حوزه است.

از سوی دیگر تمرکز بر «چندجانبه‌گرایی اقتصادی» و تقویت «سیاست همسایگی» در دستور کار سیاست خارجی دولت مردمی عدالت محور است. تأکید بر سیاست همسایگی مبتنی بر تقویت دیپلماسی اقتصادی و افزایش تعاملات با همسایگان و استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه در سایه تقویت مناسبات در یک سطح و تنش‌زدایی با آن‌ها در سطح دیگر از برنامه‌های جدی سیاست خارجی دولت است. از سوی دیگر در راستای تأمین منافع مردم، مقابله با تحریم‌های ظالمانه آمریکا به شکل جدی در سیاست خارجی دولت منعکس شده است. در این راستا مقاومت فعال به معنای اقدام قدرتمند و عزتمند در جهت حمایت از منافع ملت ایران در دستور کار است و توسل به مذاکره به عنوان یک ابزار سیاست خارجی در جهت استیفای منافع ملت تعقیب می‌شود و در عین حال قرار نیست معیشت مردم به مذاکرات و نتایج آن پیوند زده شود. همچنین توجه به قدرت‌های نوظهور و ورود به پیمان‌های راهبردی با آن‌ها و تکمیل فرایند همگرایی با مجموعه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای مورد اهتمام دولت است. از مصادیق جدی سیاست منطقه‌گرایی، توجه به کشورهای آسیایی، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر پیمان شانگهای و اکواست.

در مورد بخش دوم دال مرکزی گفتمان دولت، مبتنی بر «عدالت محوری» نیز باید

انعکاس‌گفتمان

«عدالت و

جمهوریت» در

سیاست خارجی

دولت، به معنای

لحاظ مؤلفه‌های

مختلف قدرت

ملی برگرفته از

منافع ملت و

ناشی از هویت،

باورها، ارزش‌ها و

عقلانیت انقلابی

مردم ایران است.